

عوامل مؤثر در بروز مصیبت و نقش عدالت از دیدگاه آیات و روایات - صدیقه نصیراوغلی

خیابانی، ناهید رئیسی

فصلنامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه

سال سیزدهم، شماره ۵۱ «ویژه عدل الهی»، تابستان ۱۳۹۵، ص ۸۷ - ۱۰۹

عوامل مؤثر در بروز مصیبت و نقش عدالت از دیدگاه آیات و روایات

صدیقه نصیراوغلی خیابانی*

ناهید رئیسی**

چکیده: هدف از ابتلای پیامبران و اولیای الهی به مصایب، استحقاق بیشتر آنان برای کسب درجات است، اما هدف از ابتلای انسان‌های عادی، تذکر، توبیخ و کفاره گناهان یا آزمون الهی و یا رشد و تکامل آنهاست. پس حوادث و مصایب تلخ و ناگوار زندگی، افراد را در مسیر رشد و کمال، یا زیان و ضلال قرار می‌دهند تا سره از ناسره شود جدا و تمامی شعارها و ادعاها با اعمال آزموده، درجه صبر و شکیبایی آشکار و عیار ایمان افراد معلوم گردد. در این مقاله، عوامل مصیبت با استناد به آیات قرآن و روایات معصومین علیهم‌السلام بررسی می‌شود تا روشن گردد که آیا مصیبت از جانب خداوند بوده و با عدالت او ناسازگار است و یا خود انسان نیز در آن نقش دارد؟ و مهم‌ترین عوامل مؤثر در بروز مصایب کدام‌اند؟

کلیدواژه‌ها: مصیبت، ابتلا، قرآن، صبر، عدالت.

*. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی. khiabani2001@hotmail.com

** دانش آموخته مقطع کارشناسی ارشد قرآن و حدیث دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

انسان طی قرون و اعصار هرگز از مصایب به دور نبوده و نحوه برخورد او با آنها بستگی به شخصیت و جودی، معرفت الله و معرفت النفس اش داشته است. معرفت الله به شناخت او از خداوند تبارک و تعالی و حکمت پنهان در هر مصیبتی که بدون دخالت انسان اتفاق می افتد منجر می شود و معرفت النفس به شناخت او از نفس "ضعیف"، "جهول"، "هلوع" ای می انجامد که خود با ناسپاسی، انجام گناه، تقصیر و قصور، موجب اصابت مصیبت می گردد.

همان گونه که نعمت های الهی بستر آزمون انسان هاست تا میزان شکر آنها هویدا شود؛ نعمت ها، ناکامی ها، نداری ها و کاستی ها نیز زمینه ساز آزمایشی هستند که میزان صبر و شکیبایی و عیار ایمان انسان ها را مشخص می کند و موجب گزینش بهترین ها می شود.

سنگ طلائی استخراج شده از معدن در کوره آتش، ذوب می گردد، ناخالصی اش جدا می شود و طلائی خالص به دست می آید. انسان ها نیز در کوره ناملايمات و مصیبت های زندگی و بلایا و سختی ها خالص تر می شوند و ناخالصی های نفسانی آنها کنار می رود.

اصابت مصیبت در مواردی که انسان نقشی در آن نداشته باشد، با عدالت خداوندی در تناقض نیست، بلکه در صورت برخورد صحیح انسان می تواند باعث افزایش درجه خلوص، قرب بیشتر الهی، اجر معنوی و درس آموزی به دیگران شود. همچنان که حضرت علی علیه السلام می فرماید:

ان البلاء للظالم ادب و للمؤمن امتحان و للأنبياء درجة و للأولياء كرامة (تفسیر منسوب به

امام حسن عسکری علیه السلام، ۱۴۰۹ ق: ص ۶۳۱)

بلا بر ظالم ادب نمودن، برای مؤمن امتحان، برای انبیاء درجه، و برای اولیاء،

کرامت است.

البته برخورد نادرست، ناشکیبایی و اعتراض و برخورد از موضع ضعف نیز می‌تواند به عوارض بسیاری از جمله بیماری و ضعف و شکست بیانجامد. قرآن کریم و روایات اهل بیت علیهم‌السلام در مورد مصیبت و برخورد صحیح با آن بهترین شارح و راهنما است که پیروی از آنها در این مورد به سعادت انسان منجر می‌شود.

معنای لغوی و اصطلاحی مصیبت

«مصیبة»، اسم فاعل باب افعال از ماده «صَوَّب» به معنای رسیدن چیزی از بالا (فراهیدی، ۱۴۰۹ ق: ج ۷ ص ۱۶۷)، نزول شیء و استقرار یافتن آن در محل و جایگاهش می‌باشد، مانند نزول باران. (ابن فارس، بی‌تا: ج ۳ ص ۳۱۸؛ مصطفوی، ۱۳۶۸ ش: ج ۶ ص ۳۵۴)

اما در معنای مصیبت، راغب، اصل واژه مصیبة را در تیرانداختن دانسته و سپس آن را مخصوص سختی و دشواری معنا کرده است. (راغب، ۱۴۱۲ ق: ص ۴۹۵)

معنای دیگری که برای این واژه بیان شده، عبارتند از: آنچه از زمانه به انسان اصابت می‌کند (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق: ج ۱ ص ۳۱۴)، امور مکروه و ناپسند (طریحی، ۱۳۷۵ ش: ج ۲ ص ۱۰۱)، بلا، سختی و هر پیشامد بد (بستانی، ۱۳۷۵ ش: ص ۳۸۱)، و بلیه و گرفتاری که به انسان می‌رسد، گویی که انسان را قصد می‌کند. (قرشی، ۱۳۷۷ ش: ج ۴ ص ۱۵۹)

اما مصیبة در اصطلاح قرآن و روایات، عبارت است از هر واقعه‌ای که آدمی با آن روبه‌رو شود - چه خیر و چه شر- لیکن جز در وقایع مکروه و ناراحت کننده استعمال نمی‌شود. (راغب، ۱۴۱۲ ق: ج ۲، ص ۴۳۶؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴ ق: ج ۱، ص ۵۳۴؛ طریحی، ۱۳۷۵ ش: ج ۲، ص ۱۰۱) همچنین به مشقتی که در روح انسان اثر می‌کند گفته‌اند. (طبرسی، ۱۴۱۲ ق: ج ۲، ص ۱۲۸)

وجوه معنایی مصیبت در قرآن

واژه "مصیبت" ۱۰ بار و در ۹ سوره قرآن کریم به کار رفته که بیشتر به معنای فرا رسیدن زمان مرگ بوده است: فَأَصَابَتْكُمْ مُصِيبَةُ الْمَوْتِ (المائدة: ۱۰۶)، یا رنج و سختی و بلا یا: وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فِيمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ (الشوری: ۳۰)

حقیقت مصیبت

طبیعت زندگی، جاذب مصیبت‌ها و سختی‌ها و پیشامدهاست. آفرینش انسان بنایی است که عناصرش را درد و غم و سختی و مصیبت و دشواری و بلا و ابتلا تشکیل داده است. اگر برخورد انسان با مصایب و رنج‌ها و سختی‌ها هماهنگ با دستورات حضرت حق باشد، سعادت همه جانبه انسان در پرتو آن تضمین می‌گردد.

حضرت علی علیه السلام در خطبه متقین در مورد مردان خدا می‌فرماید:

صبروا أياماً قصيرة أعقبتهم راحة طويلة، تجارة مربحة يسرها لهم ربهم. أرادتهم الدنيا فلم يريدها و أسرتهم ففدوا أنفسهم منها. (نهج البلاغه، خ ۱۹۳)

در روزگار کوتاه دنیا، صبر کردند، آنگاه تا آسایش و راحتی جاوید را به دست آوردند، تجارتي پرسود که پروردگارشان فراهم فرموده است. دنیا می‌خواست آنها را بفریبد، اما عزم دنیا نکردند، می‌خواست آنها را اسیر خود گرداند، که با فدا کردن جان، خود را آزاد ساختند.

پس یکی از صفات برجسته اهل تقوا، بردباری در مصیبت‌ها است.

منشأ مصیبت

قرآن کریم منشأ مصیبت را در برخی موارد، از جانب خود انسان معرفی

می‌کند:

وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فِيمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ (الشوری: ۳۰)

و هر [گونه] مصیبتی به شما برسد به سبب دستاورد خود شماست، و [خدا]

از بسیاری در می‌گذرد.

در این خصوص، منشأ مصیبت را در دو عامل زیر می‌توان جستجو کرد:

الف) قصور و سوءتدبیر

گاهی انسان - خواسته یا ناخواسته - در اصولی کوتاهی نموده و یا به واسطه سوءتدبیر، سرنوشت خود یا دیگران را تغییر می‌دهد. سزاوار است در برخورد با این گونه اشتباهات، علاوه بر جبران مافات، از پروردگار حکیم درخواست توفیقات بیشتر نماید.

ب) گناهان

امیرالمؤمنین علیه السلام در این زمینه می‌فرماید:

تَوَقَّوْا الذُّنُوبَ، فَمَا مِنْ بَلِيَّةٍ وَ لَا نَقْصِ رِزْقٍ أَلَّا بَدَنِبْ حَتَّى الْخُدْشِ وَ الْكِبُوتِ وَ الْمَصِيبَةِ.
(مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۷۰، ص ۳۵۰)

از گناهان بپرهیزید که هیچ بلا و کمبود روزی‌ای نیست مگر به خاطر گناهی (که انجام می‌دهید)، حتی خراشی که بر بدن وارد می‌شود، لغزیدن و به زمین خوردن (شما) و مصیبتی که بر روح و پیکرتان وارد می‌گردد (از آثار گناهان شماس).

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

أَمَّا أَنَّهُ لَيْسَ مِنْ عَرَقٍ يَضْرِبُ، وَ لَا نَكْبَةٍ، وَ لَا صَدَاعٍ، وَ لَا مَرَضٍ أَلَّا بَدَنِبْ. (کلینی، ۱۳۸۸ش: ج ۲، ص ۲۶۸)

آگاه باشید اگر رگی از رگ‌های انسان به ضربان افتد، یا پایش به سنگ خورد، یا سرش درد بگیرد، یا مریض شود، به خاطر گناهی است که مرتکب شده است.

همچنین حضرت علی علیه السلام در دعای کامل می‌فرماید:

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَنْزَلُ النَّقْمَ.

خدایا گناہانی را بر من ببخش که باعث نزول بدبختی می‌شوند.

از سویی صبر بر مصایبی که به انبیاء و اوصیای آنان می‌رسد، یکی از کمالات بزرگ مردان خدا بوده و باعث ترفیع مقام و درجات آنان در بهشت و تقرب بیشتر آنها به پروردگار می‌گردد.

اهمیت و حکمت مصیبت‌ها

الف) حکمت آزمون الهی

یکی از علل آزمایش‌های الهی، پرورش استعدادهای نهفته انسان و کشف گوهرهای درونی اوست. آدمی در کوران آزمایش الهی همانند سنگ معدنی می‌ماند که در کوره‌های آتشین نهاده می‌شود تا ناخالصی‌های آن جدا گردد و ذرات گرانبهای درون آن آشکار گردد. (سبحانی، ۱۴۲۵ق: ج ۱، ص ۲۶۲؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۶ش: ج ۱، ص ۵۲۸)

امتحان، همان‌گونه که برای شکوفایی استعداد انسانی در امور دنیایی سودمند است، در تعیین هدف اخروی نیز نقش مؤثری دارد: جهنم برای کافران و یا بهشت برای مومنان؛ و این هدف با امتحان و آزمایش میسر می‌شود. (جوادی آملی، ۱۳۸۷ش، ذیل آیه ۱۴۴ سوره آل عمران)

امام صادق علیه السلام از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که فرمود:

انَّ عَظِيمَ الْبَلَاءِ يَكَا فَا بَهِ عَظِيمِ الْجَزَاءِ. وَ إِذَا أَحَبَّ اللَّهُ عَبْدًا ابْتَلَاهُ بِعَظِيمِ الْبَلَاءِ؛ فَمَنْ رَضِيَ فَلَهُ الرِّضَا عِنْدَ اللَّهِ عِزٌّ وَ جَلٌّ وَ مَنْ سَخَطَ الْبَلَاءَ فَلَهُ السَّخَطُ. (ابن بابویه، ۱۳۷۲ش: ج ۱، ص ۱۸؛ دیلمی، ۱۴۱۲ق: ج ۱، ص ۳)

به سبب بلای بزرگ، پاداش بزرگ داده می‌شود و چون خداوند بنده‌ای را دوست بدارد، او را به بلایی بزرگ گرفتار می‌کند. هر کس راضی باشد، خشنودی خداوند را در پی دارد، و هر کس خشمگین شود، به خشم خدا گرفتار شود.

ب) حکمت مصایب و بلاهای الهی

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَبْرَأَهَا إِنَّ
ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ (الحديد: ۲۲)

هیچ مصیبتی، نه در زمین و نه در نفس‌های شما، [به شما] نرسد، مگر
آنکه پیش از آنکه آن را پدید آوریم، در کتابی است. این [کار] بر خدا آسان
است.

آیات الهی، بر ارتباط میان اعمال انسان و نظام عالم تأکید دارد. این تأثیر و
تأثرات به اقتضای سنت‌های الهی است، مگر اینکه سنت دیگری از وقوع چنین
حوادثی ممانعت به عمل آورد. (طباطبایی، ۱۳۷۴ش: ج ۱۸، ص ۸۶)

بیشتر مصیبت‌هایی که بر انسان وارد می‌شود، با عمل خود انسان ایجاد شده،
اما از آنجا که خداوند، مهربان و رئوف است، اکثر این بلاها را دفع می‌کند و
بسیاری از آن‌ها را می‌بخشد تا از سر لطف و رحمت، آثار گناهان را از انسان‌ها
بازدارد. (قطب راوندی، ۱۴۰۷ق: ج ۵، ص ۳۵۶)

اگر خداوند به بندگان خود مهربان نبود، به یقین کردارهای انسان، سبب
هلاکت تام و تمام او می‌شد؛ زیرا انسان‌ها هر روز در گناهی جدید غوطه‌ور
می‌شوند و خشم الهی را متوجه خود می‌گردانند. (مدرسی، ۱۳۷۷ش: ج ۱۲، ص ۳۵۶)

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

ان الله يخص اوليائه بالمصائب ليأجرهم عليها من غير ذنب. (تفسیر منسوب به امام حسن
عسکری علیه السلام، ۱۴۰۹ق: ص ۶۳۱)

خداوند مصایب را به اولیای خود اختصاص داده تا آنان را که گناه
نکرده‌اند پاداش دهد.

اقسام مصیبت در قرآن و روایات

آیات ابتلا، آزمایش الهی را شامل تمام جهات وجودی انسان و هر چیزی که به نحوی مرتبط با وی باشد می‌شمرد.

إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَاللَّهُ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ (التغابن: ۱۵)

اموال شما و فرزندانان صرفاً [وسیله] آزمایشی [برای شما]‌یند، و خداست که نزد او پاداشی بزرگ است.

خداوند انسان‌ها را با هر دو قسم مصیبت می‌آزماید، هم با تنگ‌دستی و دشواری [نقمت] و هم با غنا و راحتی [نعمت]. انسان در تنگ‌دستی و دشواری «صبر» و در غنا و راحتی با «شکر» آزموده می‌شود. قرآن کریم می‌فرماید:

وَتَبْلُوَكُمْ بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً. (الأنبياء: ۳۵)

و شما را از راه آزمایش به بد و نیک خواهیم آزمود.

۱. آزمایش و ابتلا از طریق امنیت و آسایش

خداوند هر فردی یا امتی را به وسیله خاصی که متناسب با اوضاع روحی و اجتماعی اوست، می‌آزماید. یکی از طرق اجرای سنت ابتلای الهی، بسط دنیوی است. قرآن کریم می‌فرماید:

فَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَانَا ثُمَّ إِذَا خَوَّلْنَاهُ نِعْمَةً مِّنَّا قَالَ إِنَّمَا أُوتِيتُهُ عَلَىٰ عِلْمٍ بَلْ هِيَ فِتْنَةٌ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ. (الزمر: ۴۹)

و چون انسان را آسیبی برسد، ما را فرا می‌خواند، سپس چون نعمتی از جانب خود به او عطا کنیم می‌گوید: آن را فقط به دانش خود یافته‌ام. نه چنان است، بلکه آن آزمایشی است، ولی بیشترشان نمی‌دانند.

حضرت علی علیه السلام در نهج البلاغه خطبه ۱۱۴ می‌فرماید:

ستایش، خداوندی را سزاست که حمد و ستایش را به نعمت‌ها، و نعمت‌ها را به شکرگزاری پیوند داد. خدای را بر نعمت‌هایش آن گونه

ستایش می‌کنیم که بر بلاهایش.

نعمت بودن نعمت، به نوع عکس‌العمل انسان در برابر آن نعمت بستگی دارد که شاکر باشد یا کفور. همچنین نعمت بودن نعمت، به نوع عکس‌العمل انسان در برابر آن بستگی دارد، که صابر و خویش‌ن‌دار باشد یا سست عنصر و بی‌اراده. (مطهری، همان: ص ۱۸۴)

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ. (الحديد: ۲۳)
تا بر آنچه از دست شما رفته اندوهگین نشوید و به [سبب] آنچه به شما داده است شادمانی نکنید، و خدا هیچ خودپسند فخرفروشی را دوست ندارد.

۲. ابتلا در بعد تنگی رزق و گرسنگی

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَهُ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ. (العنكبوت: ۶۲)

خدا بر هر کس از بندگانش که بخواهد روزی را گشاده می‌گرداند و [یا] بر او تنگ می‌سازد؛ زیرا خدا به هر چیز داناست.

در روایات نیز این مسئله بارها و بارها مطرح شده و سخنان گرانقدری از ائمه اطهار علیهم‌السلام در این باره به ما رسیده است.

حضرت علی علیه‌السلام درباره رزق و روزی چنین می‌فرمایند:

و قدر الارزاق فكثرها و قللها و قسمها على الضيق و السعة، فعدل فيها لبيتلى من اراد بميسورها و معسورها، و ليختبر بذلك الشكر و الصبر من غنيها و فقيرها. (نهج البلاغه، خ ۹۱)
روزی انسان‌ها را تقدیر (اندازه‌گیری) فرموده؛ گاهی کم، و زمانی زیاد، و به تنگی و وسعت به گونه‌ای عادلانه تقسیم کرده تا هر کس را بخواهد با تنگی روزی یا وسعت آن بیازماید، و با شکر و صبر، غنی و فقیر را بیازماید.

امام سجاد علیه السلام می فرماید:

خداوندا، مرا طاقت بر سختی و مشقت، و شکیبایی بر بلا، و قدرت بر تنگدستی نیست. پس روزی ام را منع مکن و مرا به خلق خود وامگذار، بلکه خود به تنهایی نیاز مرا برآور و خودت کارساز من باش. (صحیفه سجایه، ۱۴۱۸ ق: دعای ۲۰)

اما علل و عواملی که موجب تنگی معاش می شوند عبارت اند از:

الف. تن پروری و راحت طلبی و شانه از زیر بار مسئولیت خالی کردن؛ چنانچه امام صادق علیه السلام از پدرش نقل فرموده که امام علی علیه السلام می فرمود:

کسی که مالک آب و خاک است و در فقر و تهی دستی بر سر می برد، خداوند او را از رحمت خود دور می سازد. (حمیری، ۱۴۱۳ق: ص ۵۵)

ب. زیاده روی در صرف مال در هنگام تمکن؛ چنانچه حضرت علی علیه السلام در دعای کمیل می فرماید:

اللهم اغفر لي الذنوب التي تغير النعم.

ج. اخلاق مذموم و سوء معاشرت با مردم؛ حضرت علی علیه السلام فرمود:

کسی که اخلاقش بد است، در مزیقه روزی قرار می گیرد. (طبرسی، ۱۴۱۲ق: ص ۳۵۴)

در مقابل، راه های برطرف کردن مزیقه مالی و تنگدستی عبارت اند از:

الف. کار و فعالیت؛ چنان که در روایت آمده که کلیب صیداوی می گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: از خدا بخواهید گشایشی به رزق من عطا فرماید؛ زیرا وضعم به هم ریخته و مشکل شده است. حضرت بدون وقفه و با سرعت فرمود:

لا، اخرج فاطلب. (کلینی، ۱۳۸۸ش: ج ۵، ص ۷۹)

دعا نمی کنم، و دنبال کار برو.

ب. میانه روی در ایام ثروتمندی و فقر؛ در این باره حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم

می فرماید:

المنجيات فخوف الله في السرّ والعلانية، و القصد في الغنى و الفقر، و كلمة العدل في الرضا و السخط. (حرانی، ۱۴۰۴ق: ص ۱۷، طبرسی، ۱۳۸۵ق: ص ۲۹۵، فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق: ج ۶، ص ۵۵)

سه چیز نجات بخش است: اول خوف از خداوند در پنهان و آشکار؛ دوم میانه روی در ایام ثروتمندی و فقر؛ سوم رعایت عدل و حق در حال رضا و خشم.

ج. زدودن گناه؛ حضرت علی علیه السلام به کمیل بن زیاد فرمود:

یا کمیل قل عند كل شدة: «لا حول و لا قوة الا بالله» تكفها، و قل عند كل نعمة: «الحمد لله» تزدد منها، و اذا ابطأت الارزاق عليك فاستغفر الله يوسع عليك فيها. (حرانی، ۱۴۰۴ق: ص ۲۸۸)

ای کمیل، در هر سختی و مشکلی بگو «لا حول و لا قوة الا بالله» تا آن مشکل و سختی برطرف شود. در هر نعمتی بگو «الحمد لله» تا افزون گردد. و چون روزی هایت دیر رسید، استغفار کن تا [خدا] در آن ها گشایش دهد. د. حسن خلق و معاشرت نیکو با مردم؛ حضرت صادق علیه السلام فرمود:

حسن خلق، روزی را زیاد می کند و آدمی را از نعمت بیشتری برخوردار می سازد. (قمی، ۱۴۰۴ق: ج ۱، ص ۴۱۱)

۳. ابتلا از طریق اموال و اولاد

خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید:

إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَاللَّهُ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ. (التغابن: ۱۵)

جز این نیست که اموال و فرزندانان برای شما وسیله آزمایش هستند و خداوند است که پاداشی بزرگ نزد اوست.

کلمه فتنه به معنی گرفتاری هایی است که جنبه آزمایشی دارد. اموال و فرزندان،

از مهم‌ترین وسایل امتحان انسان هستند.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: خدای عزّ و جلّ خطاب به موسی علیه السلام فرمود:
و اعلم انّ کلّ فتنة بدوها حبّ الدنیا. (کلینی، ۱۳۸۸ ش: ج ۲، ص ۱۳۶)
آگاه باش! آغاز هر فتنه، دوستی دنیا است.

یکی از مهم‌ترین ابزار آزمایش، مال و ثروت است.

حضرت علی علیه السلام فرمودند: المال مادة الشهوات. (نهج البلاغه، ح ۵۸)
ثروت، ریشه شهوت‌هاست.

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند:

ایک ان تمنع فی طاعة الله فتتفق مثلیه فی معصية الله. (حرانی، ۱۴۰۴ق: ص ۴۰۸)
مبادا در راه خدا از صرف مال دریغ کنی؛ در این صورت دو برابرش را در
نافرمانی خدا خرج می‌کنی.

خدای حکیم در مورد نیکان می‌فرماید:

رَجَالٌ لَا تُلْهِیْهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِکْرِ اللَّهِ. (النور: ۳۷)

مردانی که نه تجارت و نه داد و ستدی، آنان را از یاد خدا، و بر پاداشتن
نماز و دادن زکات، به خود مشغول نمی‌دارد.

امام علی علیه السلام می‌فرماید:

ایمان خود را با صدقه دادن، و اموالتان را با زکات دادن نگاه دارید، و

امواج بلا را با دعا از خود دور سازید. (نهج البلاغه، حکمت ۱۲۶)

۴. ابتلا از بُعد حوادث اجتماعی

برخی از سختی‌ها و گرفتاری‌ها به دست خود انسان‌ها ایجاد می‌گردد و این
گرفتاریها تحت عنوان فتنه‌ها وسیله‌ای جهت آزمایش انسان‌اند.
عوامل مؤثر در بروز فتنه‌های اجتماعی عبارت‌اند از:

۴-۱. جهل و نادانی

۴-۲. ترس

مردم در زمان جاهلیت در جهل و نادانی به سر می‌بردند و بعد هم از خلفا و حکومت زمان خود می‌ترسیدند و جرئت حرف‌زدن نداشتند، این مطلب در زمان‌های مختلف تجربه شده است.

۴-۳. عدم اطاعت از رهبری معصومین

اطاعت امت از امام، شرط تکمیل کننده امامت است.

امام علی علیه السلام می‌فرماید:

فان معصية الناصح الشفيق العالم المجرب تورث الحسرة و تعقب الندامة. (نهج البلاغه، خ ۳۵)
بدانید که نافرمانی از دستور فرد خیرخواه مهربان دانا و باتجربه، مایه حسرت و سرگردانی و سرانجامش پشیمانی است.

۴-۴. دوستی با شیطان و تسلط او بر انسان

وَمَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرَانًا مُبِينًا. (النساء: ۱۱۹)

و هر کس به جای خدا، شیطان را سرپرست خود گیرد، قطعاً دستخوش زیان آشکاری شده است.

یکی از مهم‌ترین عوامل ضرر و زیان در زندگی آدمی، وجود شیطان است. شیطان وقتی از درگاه خداوند رانده شد، به عزت خداوند سوگند یاد کرد که همه بندگان خدا را گمراه نماید.

شیطان در گمراه کردن هر کسی نمی‌تواند توفیق یابد، همان گونه که خودش در ادامه سوگندش بیان کرده که نمی‌تواند بر بندگان مخلص خدا مسلط شود:

إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمْ الْمُخْلِصِينَ. (النساء: ۸۳)

مگر آن بندگان پاک دل تو را.

۴-۵. همنشینی با اهل فسق و فجور

نقش دوست در زندگی انسان بسیار مهم است. دوست خوب باید چنان باشد که نگاه به او انسان را به یاد خدا بیندازد و عاملی برای عبادت بیشتر خداوند باشد، نه عامل دوری از یاد خدا و عامل تشویق به گناه باشد و گرنه چنین شخصی از اعوان و انصار شیطان بوده و عامل خسران و ضرر می‌باشد.

امام صادق علیه السلام در این مورد می‌فرماید:

اقطع عمن تنسیک وصلته ذکر الله و تشغلك الفته عن طاعة الله، فان ذلك من اولياء الشيطان و اعوانه... فان ذلك هو الخسران المبين العظيم. (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۷۱، ص ۱۶۰)

قطع رابطه کن با آن کسی که دوستی با او تو را از یاد خدا بازمی‌دارد، و الفت و دوستی با او تو را از اطاعت خدا بازمی‌دارد، پس چنین کسی از اولیا و یاران شیطان است و این دوستی همانا زیانکاری آشکار و بزرگی است. از دیدگاه قرآن و روایات معصومین علیهم السلام، می‌توان با استعانت از صبر، دعا، صدقه، مناجات با خدا، استغفار، مراقبت و محاسبه نفس، نیت پاک خالص، جبران گذشته، توبه، ادای حق الله، ادای حق الناس و به با مصایب برخورد کرد.

۵. ابتلا از بعد سنت امتحان و املاء و استدراج

۵-۱. ابتلائی از جنبه امتحان

امتحان به معنای تصفیه و خالص کردن است. «المحنة» معنای کلامی است که به وسیله آن، شخص آزموده شده، و به واسطه گفتارش ناپیداهای درونی و قلبی‌اش آشکار می‌گردد.

راغب گوید: «المحن و الامتحان نحو الابتلاء» (امتحان بمانند ابتلاء، آزمودن

است). چنان که خداوند متعال می‌فرماید:

أُولَئِكَ الَّذِينَ امْتَحَنَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ لِتَتَّقُوا. (الحجرات: ۳)

آنان همان کسانی هستند که خداوند دل‌هاشان را برای پرهیزکاری امتحان کرده است.

الف) انتساب امتحان به خداوند

نسبت دادن امتحان به خداوند، از باب مجاز است؛ زیرا امتحان حقیقی از کسی صادر می‌شود که عاقبت امر بر او مکشوف نباشد و بخواهد به وسیله امتحان آن را معلوم سازد، در حالی که خداوند از عواقب امور کاملاً آگاه می‌باشد. پس امتحان خداوند به معنای این است که بدین وسیله بر افراد اتمام حجت کند تا نگویند که اگر در فلان موقعیت قرار می‌گرفتیم، فلان کار خیر را انجام می‌دادیم یا از آن کار زشت دست باز می‌داشتیم.

ب) دنیا وسیله آزمایش

یکی از انواع آزمایش‌هایی که خداوند از انسان به عمل می‌آورد، آزمایش و امتحان با دنیا است. خداوند متعال در باب دنیا و خصوصیات آن، می‌فرماید:

إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لِّهَا لِنَبْلُوهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا. (الکهف: ۷)

در حقیقت، ما آنچه را که بر روی زمین است، زیوری بر روی آن قرار دادیم، تا آنان (انسان‌ها) را بیازماییم که کدام یک از ایشان نیکوکارترند.

یکی از هدف‌های اصلی پیامبران الهی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و اولیاء خدا عَلَيْهِمُ السَّلَام این بوده که مردم

را از دنیا و دل‌بستگی بدان نهی کنند. حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید:

يا ايها الناس انما الدنيا دار مجاز و الآخرة دار قرار، فخذوا من ممرکم لمقرکم. (نهج البلاغه،

خ ۲۰۳)

ای مردم، دنیا سرای گذر و آخرت، خانه جاویدان است. اینک، از گذرگاه

خویش، برای سرمنزل جاودان توشه بگیرید.

حضرت باقر عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید:

مثل الحريرص على الدنيا كمثل دودة القز كلما ازدادت على نفسها لفا كان ابعدها من

الخروج حتی تموت غمًّا. (کلینی، ۱۳۸۸ش: ج ۲، ص ۲۰۲)

مثل آدمی که حریص به دنیا باشد، مثل کرم ابریشمی است که هر چه بیشتر تار بر خود تَنَد، راه فرارش دورتر می‌شود، تا بالاخره از شدت اندوه و تاریکی زندان پيله بمیرد.

ج) نقش ابتلا و آزمایش در تربیت انسان

والاثرین مرتبه تربیت این است که انسان پیوسته خود را در معرض امتحان الهی ببیند و آن را نردبان سیر به سوی مقصدی کند که برای آن آفریده شده است.

امیر مؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید:

فانَّ الذَّهَبَ يَجْرَبُ بالنَّارِ، و المَؤْمِنُ يَجْرَبُ بالبلاء. (آمدی، ۱۳۶۶ش: ص ۹۹)

همانا طلا با آتش، و بنده صالح با بلا امتحان می‌گردد.

عند الامتحان يكرم الرجل او يهان. (آمدی، ۱۳۶۶ش: ص ۱۰۰)

هنگام آزمایش است که انسان خود را گرامی یا خوار می‌دارد.

نمونه‌های تربیت الهی در پرتو آزمون‌های گوناگون به مراتب والای کمال دست یافتند، چنان‌که خدای متعال، حضرت ابراهیم خلیل علیه السلام را پس از ابتلاها و آزمایش‌ها و امتحان‌های فراوان به مقام امامت مردم منصوب کرد. از جمله امتحانهای: فرمان قربانی کردن فرزند (الصافات: ۱۰۱ و ۱۰۶)، قراردادن زن و فرزند در سرزمین خشک بی‌گیاه (ابراهیم: ۳۷)، مهاجرت از سرزمین بت‌پرستان (مریم: ۴۸)، شکستن بت‌ها (الانبیاء: ۵۷-۶۰)، رفتن در دل آتش (همان: ۶۸) و ه پس از اینکه حضرت ابراهیم از همه این امتحان‌ها و آزمایش‌ها سربلند بیرون آمد، لیاقت امامت را یافت.

البته ابتلا، آزمایش و امتحان به وسیله آسایش و رفاه و عافیت و راحتی، از امتحان به وسیله مشکلات و گرفتاری‌ها سخت‌تر است؛ زیرا در این حال، غفلت

و لغزش آدمی بیشتر است. تنها کسانی می‌توانند مقام شاکر بودن خود را حفظ کنند و به کفران کشیده نشوند که به توفیق الهی امتحان‌ها و آزمایش‌ها را بشناسند و سخت استقامت و پایداری ورزند.

۵-۲. ابتلائاتی از جنبهٔ املاء

از جمله اموری که خداوند متعال انسان‌ها را با آن می‌آزماید، املاء به معنی مهلت دادن است. نعمت مهلت که عطیهٔ حضرت باری تعالی است، باید در اطاعت ذات مقدس خداوند صرف گردد. البته گناه، سرپیچی از اطاعت خداوند است، و همهٔ گناهکاران استحقاق کیفر دارند، اما در خصوص گناهی که به امنیت عمومی ضرر نمی‌رسانند، خداوند به گناهکاران مهلت می‌دهد و در مجازاتشان تسریع نمی‌کند. (طبرسی، ۱۴۱۲ق: ص ۴۵۶-۴۵۷) این خود یکی از نعمت‌ها و عنایات بزرگ باری تعالی در حق کسانی است که بخواهند از این مهلت، استفادهٔ صحیح کنند، وگرنه این مهلت، عذابی خفت بار برای آنها به دنبال خواهد داشت. خداوند متعال می‌فرماید:

وَلَا يَحْسِبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا نُمَلِّي لَهُمْ خَيْرٌ لَّأَنفُسِهِمْ إِنَّمَا نُمَلِّي لَهُمْ لِيَزْدَادُوا إِثْمًا وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ. (آل‌عمران: ۱۷۸)

و البته نباید کسانی که کافر شده‌اند تصور کنند اینکه به ایشان مهلت می‌دهیم برای آنان نیکوست، ما فقط به ایشان مهلت می‌دهیم تا بر گناه [خود] بیفزایند، و [آن‌گاه] عذابی خفت‌آور خواهند داشت.

حضرت علی عليه السلام دربارهٔ مهلتی که خداوند به گناهکاران می‌دهد می‌فرماید:
و لئن امهل [الله] الظالم فلن يفوت اخذه، و هو له بالمرصاد علی مجاز طریقه. (نهج‌البلاغه، خ ۹۷)

اگر خداوند، ستمگر را چند روزی مهلت دهد، از بازپرسی و عذاب او غفلت نمی‌کند، و او بر سر راه، در کمین‌گاه ستمگران است.

امام زین العابدین علیه السلام درباره مهلت دادن می فرماید:

و استعملني بطاعتك في أيام المهلة. (صحیفه سجادیه، ۴۱۸ق: دعای ۲۰)

بار الها، در ایام عمر که مهلت خودسازی و نیل به کمال انسانی است، مرا به طاعت و فرمانبرداری ذات اقدس و ادار ساز.

۵-۳. ابتلائی از جنبه استدراج

خداوند، گروهی از انسان‌ها را به منظور ابتلا و امتحان، به فقر و تنگدستی می‌افکند. زمانی که این اقدامات نتوانست آثار مثبتی داشته باشد و آن افراد در این آزمایش‌ها، موفقیتی کسب نکردند، در مرحله بعد، درهای نعمت را به روی آنها می‌گشاید. وسعت روزی و فراوانی نعمت‌ها در این حالت، امتحان دشوارتری است. برای گناهکاران، نعمت «استدراجی» است و مقدمه‌ای برای مجازات‌های بعدی.

در حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم چنین آمده است:

إذا رایت الله یعطی العبد من الدنیا علی معاصیه ما یحب فانما هو استدراج، ثم تلا رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: فلما نسوا ما ذکرُوا. (طبرسی، ۱۳۸۵ق: ج ۳، ص ۴۶۶)

زمانی که می‌بینی خداوند، در برابر گناهان بنده، به او نعمت می‌بخشد، بدان که «استدراج» است (مقدمه‌ای برای مجازات).

امیر مؤمنان علی علیه السلام در نهج البلاغه می‌فرماید:
 أنه من وسع علیه فی ذات یده فلم یر ذلك استدراجاً، فقد أمن مخوفاً. (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۷۰، ص ۳۸۳)

کسی که خداوند به مواهب و امکاناتش وسعت بخشید، و آن را مجازات استدراجی نداند، از نشانه خطر غافل مانده است.

آثار و فواید مصایب و بلاهای الهی

یک گروه از مصایب، بلیاتی است که از جانب خدا و لازمه حیات این

دنیاست.

وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِيرٍ
الصَّابِرِينَ. (البقره: ۱۵۵)

و قطعاً شما را به چیزی از [قبیل] ترس و گرسنگی، و کاهش در اموال و
جان‌ها و محصولات می‌آزماییم و مژده ده شکیبایان را.

مصایب و بلاهایی که حکمت و مصلحت در آنهاست، فوایدی به شرح زیر در
بر دارند:

۱. بیشتر این‌گونه مصایب و بلاها به ظاهر مصیبت و بلا هستند، ولی در حقیقت
رحمت و نعمتند، مانند مداوای بیمار و معالجه او که بر او دشوار می‌آید، لیکن
وسیله شفای اوست؛ چنانچه در حدیث قدسی آمده است:

ان من عبادي من لا يصلحه الا الفقر، لو اغنيته لأفسده ذلك. (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق: ج ۳،
ص ۱۹۰)

خداوند می‌فرماید که عده‌ای از بندگان من هستند که فقط با فقر، صالح و
شایسته می‌گردند؛ پس اگر آنها را بی‌نیاز گردانم، این بی‌نیازی باعث فساد
آنان می‌شود.

۲. بسیاری از اخلاق حمیده و صفات حسنه در نتیجه ابتلا به مصایب و
گرفتار شدن به بلیات و ناملازمات، حاصل می‌شود، مانند صبر و رضا و تسلیم و
حلم و غیر این‌ها. این مصیبت‌ها تأدیب حق برای تربیت خلق است، مانند
فرمانده سپاهی که سربازان را به کارهای سخت وامی‌دارد تا ورزیده و کارآزموده
شوند.

۳. مصائب، موجب توجه بنده به خدا می‌گردند و غفلتی را که غالباً در اثر متعمر
بودن برای انسان حاصل می‌شود برطرف می‌کنند و انسان را به دعا و بسیاری از
عبادات و تحصیل علم که در نعمت برای او میسر نمی‌شود موفق می‌گردانند.

۴. امتحان است که برای خود بنده و دیگران، حد معرفت و مقام او را معلوم می‌گرداند.

۵. بسیاری از مصایب و بلاها موجب مثبت و پاداش اخروی هستند.

۶. برخی از مصایب، عقوبت دنیوی معاصی هستند؛ خدای تعالی می‌فرماید:
وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ. (الشوری: ۳۰)

و هر [گونه] مصیبتی به شما برسد به سبب دستاورد خود شماست و [خدا] از بسیاری درمی‌گذرد.

۷. بلا و مصیبت موجب غفران گناهان و کفاره معاصی است؛ و هم‌چنین مکافات است که باعث عبرت و تنبه دیگران و رسانیدن حق به صاحبان حق و انتقام از ظالمان می‌گردد. و بسیاری از حکمت‌های دیگر که از فهم و ادراک بشر خارج است. (طیب، ۱۳۷۸ش، ج ۲، ص ۲۵۴)

عدالت و مصیبت

قرآن تصریح می‌کند که نظام هستی و آفرینش، بر عدل و توازن است؛ در برخی از آیات، از مقام فاعلیت و تدبیر الهی به عنوان مقام قیام به عدل یاد می‌کند:

شهد الله أنه لا اله الا هو و الملائكة و اولوا العلم قائماً بالقسط. (آل عمران: ۱۸)

خداوند گواهی داده است که معبودی جز او شایسته پرستش نیست، و فرشتگان و عالمان که عدالت را بر پا می‌دارند، نیز بر آن گواهی داده‌اند.

خدای بزرگ، عدل را ترازوی الهی در امر آفرینش می‌داند:

وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ. (الرحمن: ۷)

و آسمان را برافراشت و هرگونه ابزار سنجش (با عدالت) را در میان نهاد.

در ذیل همین آیه رسول خدا ﷺ فرمودند:

بالعدل قامت السماوات و الارض. (فیض کاشانی، ج ۲، ص ۶۳۸)

آسمان‌ها و زمین به عدل بر پا است.

قرآن کریم حکمت بعثت و ارسال رسل را حاکمیت عدل و قسط بر نظام زندگانی بشر می‌داند:

لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط. (حدید: ۲۵)
همانا فرستادگان خویش را با دلایل روشن فرستادیم و همراه آنها کتاب و
مقیاس (قانون) فرستادیم تا مردم بدین وسیله عدل را برپا دارند.

در مورد پیوند "عدل و مصیبت" آیات بر اساس قرآن و احادیث خاندان وحی دیدیم که مصیبت به هیچ وجه ناقض عدل خداوندی نیست، چرا که اگر از جانب خداست یا برای آزمون و اعطاء درجه، یا برای رشد بنده شایسته، و یا به عنوان کفاره گناه اوست. و اگر در اثر رفتار خود بنده است، باز مجازاتی عادلانه برای اهدافی حکیمانه است، از جمله انذار و هشدار و بیدار بخش به بنده خطاکار و اصلاح مسیر زندگی او.

منابع

- قرآن کریم، محمد مهدی فولادوند، تهران، دارالقرآن الکریم، ۱۴۱۵ ق.
- نهج البلاغه، محمد دشتی، قم، مشهور، ۱۳۷۹ ش.
- الصحیفة السجادیة، ترجمه علی شیروانی، قم، الهادی، ۱۴۱۸ ق.
- ۱. آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶ ش.
- ۲. ابن بابویه قمی، ابوجعفر محمد بن علی (شیخ صدوق)، الامالی، تهران، انتشارات کتابخانه اسلامی، ترجمه حسین استادولی، ۱۳۶۰ ش.
- ۳. عیون اخبار الرضا علیه السلام، حمیدرضا مستفید و علی اکبر غفاری، تهران: نشر صدوق، ۱۳۷۲ ش.
- ۴. ابن طاووس، علی بن موسی بن جعفر، اللهوف، قم، انتشارات قدس، ۱۳۸۰ ش.

۵. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو، تفسیر القرآن العظیم، دار الکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۹ ق.
۶. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۴ ق.
۷. بلخی، مقاتل بن سلیمان، تفسیر مقاتل بن سلیمان، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۳ ق.
۸. ثقفی تهرانی، محمد، تفسیر روان جاوید، تهران، انتشارات برهان، ۱۳۸۹ ق.
۹. امام حسن بن علی علیه السلام، تفسیر منسوب به امام حسن عسکری، قم، مدرسه امام مهدی، ۱۴۰۹ ق.
۱۰. حجتی، سید محمدباقر، و بی آزار شیرازی، عبدالکریم، تفسیر کاشف، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۶ ش.
۱۱. خمینی، روح الله الموسوی، چهل حدیث، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۷ ش.
۱۲. دلشاد تهرانی، مصطفی، سیری در تربیت اسلامی، قم، انتشارات دریا، ۱۳۸۳ ش.
۱۳. دیلمی، حسن بن ابی الحسن، ارشاد القلوب الی الصواب، قم، الشریف الرضی، ۱۴۱۲ ق.
۱۴. راغب اصفهانی، ابوالقاسم الحسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، بیروت، ۱۴۱۲ ق.
۱۵. — ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، غلامرضا خسروی حسینی، انتشارات مرتضوی، ۱۳۷۵ ش.
۱۶. رسولی محلاتی، سیدهاشم، تاریخ انبیاء از آدم تا خاتم النبیین، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۷ ش.
۱۷. زمخشری، محمود، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۰۷ ق.
۱۸. شرف الدین، سید عبدالحسین، النص و الاجتهاد، علی دوانی، تهران، کتابخانه بزرگ اسلامی، بی تا
۱۹. طبرسی، فضل بن حسن، مکارم الاخلاق، قم، الشریف الرضی، ۱۴۱۲ ق.
۲۰. — مشکاة الانوار فی غرر الاخبار، نجف، المكتبة الحیدریة، ۱۳۸۵ ق.
۲۱. طبیب، سید عبدالحسین، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات اسلام، ۱۳۷۸ ش.
۲۲. عبدالباقی، محمدفؤاد، المعجم المفهرس الفاظ القرآن الکریم، تهران، انتشارات همسفر، ۱۳۸۶ ش.
۲۳. العروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه، نور الثقلین، عقیقی بخشایشی، نشر نوید اسلام، ۱۴۱۵ ق.
۲۴. فروزانفر، بدیع الزمان، احادیث و قصص معنوی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۱ ش.
۲۵. قرشی، سیدعلی اکبر، احسن الحدیث، تهران، بنیاد بعثت، ۱۳۷۷ ش.
۲۶. قطب، ابن بن ابراهیم شاذلی، فی ظلال القرآن، بیروت، دار الشروق، ۱۴۱۲ ق.
۲۷. قطب الدین راوندی، سعید بن هب الله، الدعوات، قم، انتشارات مدرسه امام مهدی علیه السلام، ۱۴۰۷ ق.
۲۸. قمی، عباس، منتهی الآمال، بیروت، هجرت، ۱۴۰۴ ق.
۲۹. — سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار، بیروت، دار الاضواء، ۱۴۰۴ ق.

۳۰. — مفاتیح الجنان، موسوی دامغانی. تهران: فیض کاشانی، ۱۳۷۸ ش.
۳۱. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دار الکتب، ۱۳۶۷ ش.
۳۲. کاشانی، فتح الله، منهج الصادقین، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران، ۱۳۴۶ ش.
۳۳. — تنبیه الغافلین و تذکرة العارفين، پیام حق، بی تا.
۳۴. کراجکی، ابوالفتح، کنز الفوائد، قم، دار الذخائر، ۱۴۱۰ ق.
۳۵. کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب، الکافی، تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۸۸ ش.
۳۶. گیلانی، عبدالرزاق، مصباح الشریعة و مفتاح الحقیقة، منسوب به امام جعفر بن محمد علیه السلام، تحقیق: مصطفوی، تهران، انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۶۰ ش.
۳۷. متقی هندی، علی بن حسام الدین، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۹ ق.
۳۸. مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الائمة الأطهار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۳۹. مطهری، مرتضی، بیست گفتار، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۸ ش.
۴۰. — عدل الهی، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۸۹ ش.
۴۱. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ ش.
۴۲. — آفریدگار جهان، قم، مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۳۸۶ ش.
۴۳. مغنیه، محمد جواد، التفسیر الکاشف، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۲۴ ق.
۴۴. — التفسیر المبین، قم، بنیاد بعثت، بی تا.
۴۵. هلالی، سلیم بن قیس، اسرار آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم، تصحیح اسماعیل انصاری زنجانی خوئینی، قم، الهادی، ۱۴۱۶ ق.